



پشیمانی

افسوس که طالب بد نامیم ما بچه ای افغانیم
از هر که نشان پرسی، گویند ساکن پاکستانیم
ما را هدف عمده از جنگ، برادر کشی افغان است
گرچه خون شریکی ما نیز ز ریشه بسته بآن است
در مدرسه چشم بسته درس خواندن ز قرآن است
این هدف والای طالبان، همگی را به بیان است
ما را بگویند که جهاد کار مسلم دیندار است
طرد کفر و الحاد ما را بسر خط همه پندار است
گرچه بدانیم که سخن کفر و الحاد فریب است
ولی بفریب ما را دالر و کلداری که بجیب است
دگر اینکه چاره نیست که بزنجیریم بدست و پا
هر چه بادار گوید نا چار داریم بی چون و چرا
القاعده بدستور عرب و ما بدستور جواسیس وطن
عهد و پیمان کرده بتخریبیم و داغ بنوامیس وطن
شب چو دزدان براه گیری و روز جمله چو میشان
ز این دو رنگی ها کس ندارد ز پی و اثر ما نشان
ما را نگدارند که نشینیم با هم در صلح و صفا
از ملک آبایی خود ها ریشه کنیم جور و جفا
ما نه پاکستانی و نی عرب باشیم از وطنداران
از عمل، وطنداران تاپه کرده بر ما چون نشان
ما پشیمانیم با عمال نا جایز خلاف کتب آسمانی
هزار لعنت بدشمنان ما چه عرب و چه پاکستانی
ما دانیم که این راه و رسم در خط قرآن نیست
چور و آتش سوزی ها جایز بر ملت افغان نیست

ما نداریم مقصر آنچه گویند و یا بما کنند
یا قاتلین و پنداران گفته ما را صدا کنند
آنکه با دشمن دسته گردد بر ضد میهن و مردم
نباشد لایق هیچ وصفی به جز وصف مار و گژدم
ما دانیم که وحدت ملت افغان جفا بر دشمن است
بی اتحاد ملت افغان، کی نام و نشان میهن است
از خدا خواهیم برگشت طالبان نیکو سیر
که دست ز شرر بردارند بر خیر و صلاح نسل بشر
جمله زیر یک پرچم صلح و صفا در ره اعمار وطن
دست بدست رزمنده گان حق دهند تا جان است بتن
«مفکر» لبیک گوید خصلت نیکوی صلح و آزادی
گر پر ثمر شود بدست نسل پیشتازش بر پایمردی

